



کنفرانس ملی یافته های نوین پژوهشی و آموزشی

عمران ، معماری ، شهرسازی و محیط زیست ایران

سوم دی ماه ۱۳۹۵ - تهران

National Conference of new research and training,
civil engineering, architecture, urbanism and environment of Iran



کنفرانس ملی یافته های نوین پژوهشی و آموزشی

عمران ، معماری ، شهرسازی و محیط زیست ایران

سوم دی ماه ۱۳۹۵ - تهران

National Conference of new research and training, civil
engineering, architecture, urbanism and environment of Iran

تجدید حیات بافت کهن با تاکید بر رویکرد نوشهرگرایی؛

نمونه موردی: محله سنگ سیاه شیراز

زهرا رجایی تبار

کارشناس شهرسازی از دانشگاه سلمان فارسی کازرون، Rajaeitabar@gmail.com

چکیده

بافت های تاریخی و قدیمی ضرورتی انکار ناپذیر در شهرهای ایرانی هستند که هویت و اصالت شهر را با خود به همراه دارند. بنابراین دمیدن زندگی به کالبد این بافت ها متناسب با نیاز روز همراه با حفظ هویت و اصالت تاریخی بسیار حیاتی می نماید. این نیاز به طرح رهیافت تجدید حیات شهری که ماهیت بلند مدتی را انعکاس می دارد، منجر می گردد. رهیافت بازآفرینی حیات شهری یکی از رهیافت هایی است که در دو دهه آخر قرن بیستم به عنوان گزینه ای جهت برون رفت از افت شهری نواحی قدیمی شهرها مورد توجه تصمیم گیران و برنامه ریزان شهری قرار گرفته است. محله سنگ سیاه به عنوان نمونه مورد مطالعه در بافت قدیم و تاریخی شهر شیراز واقع شده و علیرغم دارا بودن عناصر مذهبی مهم و عناصر تاریخی بسیار، دچار افت کیفیت کالبدی و محیطی گردیده است. سوال اصلی این است که تا چه اندازه در محدوده این بافت تاریخی می توان مشکلات ناشی از فرسودگی را مرتفع نمود و هویت تاریخی از دست رفته آن را بدان بازگرداند. در این راستا با روش توصیفی-تحلیلی، میدانی و پیمایشی و بررسی اسناد و کتب و متون تخصصی و نیز طرح های پژوهشی مرتبط به تشریح مفاهیم تجدید حیات در بخش کهنه شهر پرداخته و مشکلات و موانع موجود در



کنفرانس ملی یافته های نوین پژوهشی و آموزشی

عمران، معماری، شهرسازی و محیط زیست ایران

سوم دی ماه ۱۳۹۵ - تهران

National Conference of new research and training,
civil engineering, architecture, urbanism and environment of Iran

این محله را بررسی می کنیم و با به کارگیری رویکرد نوشهرگرایی راهکارهایی را جهت ارتقا ارزش های تاریخی-فرهنگی ارائه می دهیم و از آنجایی که رویکرد نوشهرگرایی برای ایجاد جوامع پایدار و کارا بازگشت به الگوی محلات سنتی را امری لازم می داند، موجب احیا هویت از دست رفته و تعامل دوباره محیط با کاربران این محله می گردد.

کلمات کلیدی: تجدید حیات - بافت کهن و قدیمی - ارزش های تاریخی-فرهنگی - محله سنگ سیاه شیراز

1. مقدمه

میزان بالای رشد جمعیت، مهاجرت به شهرهای بزرگ، فقدان انسجام اجتماعی، عدم توازن در الگوی درآمد و مصرف، فقدان احترام به آیین های سنتی، خشونت فزاینده، ایجاد تضادهای اجتماعی و مواردی از این دست از جمله دلایل گسترش بی رویه شهرها و به دنبال آن پایین آمدن کیفیت کالبدی و فضایی در محلات قدیمی تر شهرها می باشند. به دنبال حاد شدن مشکلات نواحی کهن شهر، بخصوص نواحی مرکزی شهرها که ابعاد مختلف زندگی شهری را تحت تأثیر قرار داده اند، دولت ها توجه ویژه ای را نسبت به نواحی قدیمی شهر مبذول داشته اند. همچنین با حاکم شدن نگرش جدید در برنامه ریزی شهری که بر تقویت معیارها و ارزش های اجتماعی و فرهنگی، تقویت و توسعه فضاهای شهری و امکانات عمومی فراغت، تعدیل حرکت سواره و گسترش فضاهای پیاده در مراکز استوار بود، موجب شد تا مراکز شهرها یکی پس از دیگری به سمت پویایی گام بر دارند و با اقداماتی موثر از مشکلات خود بکاهند. این نیاز به طرح رهیافت تجدید حیات شهری که ماهیت پویا و بلند مدتی را انعکاس می داد، منجر گردید. [1]

بافت کهن و سنتی هر شهر دارای ارزش اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بالایی است. این ارزش و اهمیت در بافت قدیم شهر شیراز واقعیتهای انکارناپذیر است. بافت قدیم شیراز که خاستگاه اولیه شهر شیراز است در زمانی مناسب ترین مکان سکونت در شهر بوده، امروزه به دلیل معضلات و مشکلات مختلف اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و کالبدی جاذبه خود را از دست داده و محل استقرار گروه های مختلف جامعه با پایگاه و منزلت اجتماعی متفاوت گردیده است. محله ی سنگ سیاه یکی از محله های مهم در بخش مرکزی و کهن شیراز است و حضور عناصر با ارزش تاریخی در نقاط مختلف این بافت موجب افزایش اهمیت این محله شده است، اما وجود مسائل و مشکلات گوناگون از پویایی و سرزندگی محله کاسته است؛ دسترسی ضعیف داخل بافت و محدودیت در شبکه حمل و نقل به علت تنگی معابر و عدم ارتباط مناسب با شبکه ی اصلی شهر از مسائلی است که در نگاه اول به ساختار محله به چشم می آید، همچنین فقدان یا کمبود فضاها و سرانه های خدماتی و رفاهی، فرسودگی بافت و تراکم بسیار بالای ساختمانی از دیگر مشکلات موجود در این محله است. کاربری های ناهمگن و فقدان فضای باز و کمبود تسهیلات ارتباطی، خدمات عمومی و نظایر آن باعث شده حس تعلق ساکنان پایین آمده و جمعیت را از خود رانده و در عوض اقشار کم درآمد و مهاجرین روستا را پذیرا شده است.